

[بررسی وجوب یا عدم وجوب سورۀ در نوافلی که واجب بالعرض شده اند 1](#_Toc103531783)

[کلام محقق نایینی مبنی بر وجوب سورۀ 2](#_Toc103531784)

[مناقشه در فرمایش محقق نایینی 2](#_Toc103531785)

[کلام محقق خویی در تقویت فرمایش محقق نایینی 3](#_Toc103531786)

[مسامحه ای در تعبیر محقق خویی و قبول اصل مطلب ایشان 3](#_Toc103531787)

[بررسی فرمایش محقق خویی رحمه الله مبنی بر عدم صدق تطوع در مقام 5](#_Toc103531788)

[مناقشه اول: مثال نقض 6](#_Toc103531789)

[مناقشه دوم: صحت موضوعیت نافله برای حکم 7](#_Toc103531790)

[مناقشه سوم: عدم تنافی بین تطوع با وجوب به سبب اختیاری 7](#_Toc103531791)

[مناقشه چهارم: اشکال شهید صدر مبنی بر عنوان اصیل بودن فریضه 8](#_Toc103531792)

[مناقشه پنجم: اشکال محقق سیستانی 9](#_Toc103531793)

**موضوع**: بررسی حکم سورۀ در نوافل واجب بالعرض شده /قرائت /صلاه

**خلاصه مباحث گذشته:**

در جلسه گذشته بعد از جمع بندی أدله بیانگر عدم وجوب سورۀ در نوافل، به بررسی حکم سورۀ در نوافلی که واجب بالعرض شده اند، پرداخته شد. محقق نایینی قائل به وجوب سورۀ شده اند و جمعی از فقهاء برخلاف ایشان فتوا داده اند که در این جلسه به تفصیل بیشتری در این باره پرداخته می شود.

# بررسی وجوب یا عدم وجوب سورۀ در نوافلی که واجب بالعرض شده اند

بحث در این بود که آیا دلیل عدم وجوب سورۀ در نماز مستحب، شامل نماز مستحبی که بالعرض واجب شده باشد می شود یا خیر؟! یک دلیل بر عدم وجوب سورۀ در نماز مستحب تسالم بود که دلیل لبی است و اطلاق ندارد تا شامل نماز مستحبی که واجب بالعرض است، شده باشد. دلیل دیگر صحیحه ابن سنان بود:

«و عَنْهُ‌ عَنْ‌ عَلِيِّ‌ بْنِ‌ إِبْرَاهِيمَ‌ عَنْ‌ مُحَمَّدِ بْنِ‌ عِيسَى عَنْ‌ يُونُسَ‌ بْنِ‌ عَبْدِ الرَّحْمَنِ‌ عَنْ‌ عَبْدِ اللَّهِ‌ بْنِ‌ سِنَانٍ‌ عَنْ‌ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ‌ عَلَيْهِ‌ السَّلاَمُ‌ قَالَ‌: «يَجُوزُ لِلْمَرِيضِ‌ أَنْ‌ يَقْرَأَ فِي الْفَرِيضَةِ‌ فَاتِحَةَ‌ الْكِتَابِ‌ وَحْدَهَا وَ يَجُوزُ لِلصَّحِيحِ‌ فِي قَضَاءِ‌ صَلاَةِ‌ التَّطَوُّعِ‌ بِاللَّيْلِ‌ وَ النَّهَارِ».[[1]](#footnote-1)

محقق خویی و محقق سیستانی قضاء را به معنای اداء کردن گرفتند و به این روایت استدلال کرده اند.

دلیل دیگر صحیحه ابن یقطین بود:

«عَنْهُ عَنِ الْحَسَنِ بْنِ عَلِيِّ بْنِ يَقْطِينٍ عَنْ أَخِيهِ الْحُسَيْنِ بْنِ عَلِيٍّ عَنْ أَبِيهِ عَلِيِّ بْنِ يَقْطِينٍ قَالَ: سَأَلْتُ أَبَا الْحَسَنِ ع عَنِ الْقِرَانِ بَيْنَ السُّورَتَيْنِ فِي الْمَكْتُوبَةِ وَ النَّافِلَةِ قَالَ لَا بَأْسَ وَ عَنْ تَبْعِيضِ السُّورَةِ قَالَ أَكْرَهُ ذَلِكَ وَ لَا بَأْسَ بِهِ فِي النَّافِلَةِ وَ عَنِ الرَّكْعَتَيْنِ اللَّتَيْنِ يَصْمُتُ فِيهِمَا الْإِمَامُ أَ يُقْرَأُ فِيهِمَا بِالْحَمْدِ وَ هُوَ إِمَامٌ يُقْتَدَى بِهِ قَالَ إِنْ قَرَأْتَ فَلَا بَأْسَ وَ إِنْ سَكَتَّ فَلَا بَأْسَ»[[2]](#footnote-2).

## کلام محقق نایینی مبنی بر وجوب سورۀ

محقق نایینی فرمودند که بعد از نذر و اجاره، دیگر نافله بر این نماز صدق نمی کند؛ چرا که نافله به معنای مستحب است. فریضه نیز صدق نمی کند؛ زیرا فریضه عنوان مشیر به انواعی است که اولا و بالذات واجب شده باشد، ولی نافله نیز صدق نمی کند، همین که نافله صدق نمی کند، می گوییم سورۀ واجب در این نماز های واجب بالعرض است[[3]](#footnote-3).

## مناقشه در فرمایش محقق نایینی

اشکال فرمایش ایشان چنین است:

1. اولا این فرمایش ایشان مبتنی بر این است که صحیحه علی بن یقطین که تعبیر به «أکره و لا بأس به فی النافلۀ» کرده بود، چنین مفادی داشته باشد که «کل صلاۀ لیس بنافلۀ یجب السورۀ فیها». ممکن است کسی از این اطلاق منع کند و بگوید متفاهم عرفی از تقابل بین «أکره» و بین «لابأس به فی النافلۀ» این باشد که «أکرۀ ذلک فی الفریضۀ و لا بأس به فی النافلۀ» یعنی در عرف آن روز وقتی این کلام را می گفتند عرف می فهمید که در فریضه اکراه دارم و در نافله اشکال ندارد، اما نمازی که نه فریضه است چون واجب بالذات نیست و نه نافله است، حکمش بیان نشده است؛ در این صورت باید به اصل عملی رجوع کرد که همان اصل برائت از وجوب سورۀ در اتیان این نماز واجب بالعرض است.
2. ثانیا: به قول محقق خویی و محقق سیستانی انصافا نافله نیز مثل فریضه، ظهور در این دارد که عنوان مشیر به ذات نمازی که نافله است باشد، ولو اینکه بالفعل به خاطر نذر یا اجاره و مانند آن واجب شود. قرآن می فرماید: ﴿ومن اللیل فتهجد به نافلۀ لک﴾[[4]](#footnote-4) آن نماز شب بر پیامبر واجب بوده، ولی واجب بالعرض بوده است. ذات نماز شب مستحب است ولی بر پیامبر عرضا واجب شده است. نافله به معنای زائد بر فریضه است لذا اگر شما نذر هم بر نماز شب کنید، نذر نافله است.

### کلام محقق خویی در تقویت فرمایش محقق نایینی

محقق خویی رحمه الله فرموده است: لکن ممکن است فرمایش محقق نایینی را چنین تقویت کنیم: از آنجایی که در صحیحه ابن سنان تعبیر به نافله نیامده بود و صرفا عنوان تطوع آمده است. عنوان تطوع عنوانی است که با نذر رفع می شود؛ از این رو ممکن است بگوییم دیگر طبق صحیحه ابن سنان باید در نماز واجب بالعرض سورۀ بخوانیم؛ زیرا «یجوز للصحیح فی صلاۀ التطوع الاکتفاء بفاتحۀ الکتاب وحدها» آمده است. ایشان فرموده اند: از این رو می بینیم که ما نسبت به کسی که روزه قضاء دارد ولی نذر روزه مستحبی می کند، قائل به صحت نذر وی می شویم؛ زیرا به محض نذر کردن، دیگر «لاتطوع لمن علیه قضاء الصوم» شامل وی نمی شود. یا کسی که روزه قضاء دارد و اجیر برای روزه قضای دیگران می شود، تا اجاره محقق شد وفای به آن واجب می شود و دیگر «لاتطوع لمن علیه قضاء الصوم» شامل وی نمی شود[[5]](#footnote-5).

### مسامحه ای در تعبیر محقق خویی و قبول اصل فرمایش ایشان

نکته ای در اینجا عرض می کنیم:

محقق خویی در موسوعه[[6]](#footnote-6) مفصل این بحث را مطرح کرده اند که نذر صوم مستحب یا اجاره بر صوم قضای دیگران، برای کسی که خود روزه قضاء دارد، مشکلی ندارد؛ چرا که در ظرف وفای به نذر و اجاره، دیگر این صوم مصداق تطوع نیست. این فرمایش محقق خویی را اگر خوب بنگریم می بینیم که یک مسامحه دارد؛ تعبیر ایشان این است که تطوع یک مانعی است که تکوینا با نذر مرتفع می گردد در حالی که این مطلب اشتباه است. ایشان باید می فرمود که با وجوب وفای به نذر مرتفع می شود. ما باید فرض را اینطور قرار بدهیم که با وجوب وفای به نذر عنوان تطوع از بین می رود، وگرنه اگر با خود نذر و قطع نظر از وجوب وفای به نذر، عنوان تطوع از بین می رفت دیگر مشکلی نداشتیم. مشکل این است که اول باید وجوب وفای به نذر بیاید و بر من اتیان این صوم مستحب واجب شود، تا دیگر مصداق «لاتطوع لمن علیه قضاء الصوم» نباشد؛ لذا شبهه دور است؛ بدین بیان که وجوب وفای به نذر متوقف بر این است که این صوم راجح باشد، رجحان این صوم توقف بر این است که مشمول دلیل «لاتطوع لمن علیه قضاء الصوم» نباشد، این عدم مشمولیت صوم منذور نسبت به لاتطوع، در صورتی است که وجوب وفای به نذر آمده باشد. وجوب وفای به نذر توقف بر رجحان این صوم دارد و رجحان این صوم توقف دارد که مشمول دلیل مانع که «لاتطوع لمن علیه قضاء الصوم» است نباشد و زمانی مشمول نیست که وفای به نذر واجب باشد.

دقت شود که فرض این است که ما می پذیریم که با وجوب وفای به نذر، عنوان تطوع از بین می رود لکن اشکال ما صرفا به عبارتی است که محقق خویی به کار برده است. ما می گوییم با وجوب وفای به نذر عنوان تطوع از بین می رود، نه اینکه با نذر از بین رود.

ایشان مثال می زند که یک مریضی وقتی نذر روزه می کند که اگر حالش خوب شد روزه بگیرد، بعدش وقتی حالش خوب می شود، این نذر بر وی واجب است، در حالی که این مثال روشن است؛ زیرا وقتی نذر کرد و وقتی حالش خوب شد، دیگر مریض نیست و در ظرف وفای به نذر، صوم در حق او راجح است، در مورد این مثال حرفی نداریم، اما مشکل در جایی است که مثال را اینطور مطرح کنیم: یک مریضی است که می گوید اگر خداوند بر من وفای به نذر واجب کند، روزه بر من ضرری ندارد. مثلا کسی است که در روزه مستحبی اعصاب ندارد و در روز با دیدن غذا اعصابش خورد می شود، تا شب نیز اعصابش متلاطم است و مریض می شود، اما اگر خداوند وفای به نذر صوم را واجب کند دیگر خیالش راحت است و دین دارد و دیگر وسوسه نمی شود و اضطراب نیز نمی گیرد و راحت روزه می گیرد. وجوب وفای به نذر متوقف بر رجحان نذر است و این رجحان متوقف بر این است که من مریض نباشم؛ چون اگر مریض باشم مشروع نیست، می گوییم بلی، ولی اطلاق وجوب وفای به نذر شامل این شخص می شود که در طول وجوب وفای به نذر مریض نیست. عمومات صوم شامل وی می شود و در آن زمان هم مریض نیست. مانعی ندارد که «لله علی أن یصوم» شامل وی بشود و «یجب الوفاء بالنذر» نیز شامل وی بشود. ما دلیلی نداریم که در رتبه سابقه بر وجوب وفای به نذر لازم باشد که عنوان راجح به فعل صادق باشد، همین که در طول وجوب وفای به نذر، عنوان راجح صادق باشد کفایت می کند.

بلی، خود وجوب وفای به نذر دلیل رجحان نمی تواند باشد ولی دلیل رجحان در حق این مریض وجوب وفای به نذر نیست، عموم استحباب و وجوب صوم است و در طول وجوب وفای به نذر عنوان مریض از وی تکوینا مرتفع می شود؛ از این رو اگر کسی بداند که نذر کند اگر در ماه رمضان روزه بگیرد، روزه برای وی ضرر نخواهد داشت، باید نذر کند؛ زیرا متمکن از صوم شهر رمضان می شود. واجب است که نذر کند تا وجوب وفای به نذر بیاید تا بتواند روزه بگیرد. این فرمایش متین است.

**سوال:** اگر کسی مریض باشد و می تواند با دارویی مداوا شود ولی عمدا نمی رود دنبال مداوا کردن، حکم این مسئله چه می شود؟

**جواب:** **اولا** ظاهر ادله و فتاوی این است که اگر کسی به سهولت بتواند خود را خوب کند، معذور نیست.

**ثانیا:** در مانحن فیه یک راهی برای روزه ای که مضر به شخص نیست، دارد؛ یعنی ما دو نوع روزه در حق این شخص داریم:

1. روزه ای که اگر نذر نکند، ضرر دارد.
2. روزه ای که اگر نذر کند، ضرر ندارد.

مثل اینکه اگر شما زیر کولر گازی بخوابید این روزه برای شما ضرر ندارد، در این صورت واجب است که بروید بخوابید و روزه بگیرید؛ زیرا متمکن از روزه ای هستید که مضر نیست. کسی که می تواند نذر کند روزه بگیرد و می داند که اگر نذر کند روزه برایش ضرر ندارد، واجب است که نذر کند؛ زیرا متمکن از صوم غیر مضر است و بر وی واجب است که نذر کند و روزه بگیرد.

خلاصه اینکه عرض ما این است که این فرمایش محقق خویی کاملا متین است، لکن باید عبارت خویش را اصلاح می کرد؛ باید می فرمود که با وجوب وفای به نذر مانع برطرف می شود، نه اینکه با نذر مانع برطرف شود. اگر واقعا عنوان تطوع بعد از وجوب وفای به نذر مرتفع شود، کلام محقق خویی کاملا متین است.

فرض این است که ما با دلیل وجوب وفای به نذر رجحان را اثبات نکردیم، ولی عموم «أن تصوموا خیر لکم» در ظرف وفای به نذر، اثبات رجحان می کند بعد از ارتفاع مانع که «لاصوم علی المریض» است. منتهی شرط فرمایش محقق خویی این است که عنوان تطوع بعد از وجوب وفای به نذر صدق نکند.

#### بررسی فرمایش محقق خویی رحمه الله مبنی بر عدم صدق تطوع در مقام

محقق خویی در مانحن فیه فرموده است که بعد از وجوب وفای به نذر نماز شب، دیگر عنوان تطوع صادق نیست؛ دلیلی که مجوز ترک سورۀ این بود که «یجوز للصحیح فی صلاۀ التطوع الاکتفاء بفاتحۀ الکتاب» در حالی که این نماز دیگر تطوع نیست؛ از این رو اگر ما بودیم و این روایات، می گفتیم: حال که نذر نماز شب شده است، باید سورۀ خوانده شود، لکن آنچه مانع می شود که وجوب سورۀ را مطرح کنیم این است که وجوب ناشی از نذر، تابع نذر شما است. شما نذر کردید که نماز نافله مشروع فی حد ذاته را بخوانید، نماز شب مشروع فی حد ذاته، نماز شبی است که لابشرط از سورۀ است. معنا ندارد که ناگهان در متعلق نذر انقلاب پیش بیاید و نماز شب به شرط سورۀ شود. عقود تابع قصود هستند، نمازشبی است که مشروع است، نماز شب لابشرط از سورۀ است، لذا آنچه عمل به آن با نذر واجب می شود، همین نماز شبی است که سورۀ در آن واجب نیست.

ایراداتی به فرمایش محقق خویی مطرح است:

#### مناقشه اول: مثال نقض

ایشان خود در جلد 21 در بحث صوم فرموده است که آنچه مهم است، ظرف وفای به نذر است. همین روزه مستحبی که قبل از نذر به دلیل وجوب قضای صوم مرجوح بود و در ظرف وفاء به نذر راجح می شد، ایشان قائل به صحت آن بود، سوال می کنیم که چرا در اینجا همین فرمایش را تکرار نکرده اند؟ ما وقتی نذر نماز شب مشروع بالفعل کرده ایم، نماز شب مشروع لولایی نذر نشده است، نماز شبی که شب های دیگر مشروع بود را نذر نکرده ایم، آنچه نذر شده است نماز شبی است که در ظرف وفای به نذر، مشروع باشد و در ظرف وفای به نذر، اگر دلیل عدم وجوب سورۀ قاصر باشد، مصداق نماز مشروع عوض می شود. قبل از نذر، نماز مشروع نماز لابشرط از سورۀ بود، وقتی نذر کردیم مصداق عوض می شود؛ زیرا دیگر عنوان تطوع بر این نماز شب منذور صادق نیست. فرض این است که محقق خویی پذیرفته است که هر نمازی که تطوع نباشد، سورۀ در آن واجب است، منتهی می فرماید این نذر به نماز مشروع با قطع نظر از نذر تعلق گرفته است در حالی که به نظر ما این فرمایش صحیح نیست؛ زیرا به نظر ما نذر به نماز مشروع بالفعل تعلق گرفته است و این نماز را باید دید که در ظرف وفای به نذر چیست؟ اگر عنوان مستثنی از وجوب سورۀ، نماز تطوع باشد، دیگر این نماز، نماز تطوع نیست و طبق نظر ایشان نماز واجب است. اگر قرار بود نذر نماز مشروع فی حد نفسه را کرده باشد، اصلا جایز نخواهد بود؛ زیرا در ظرف وفای به نذر، این نماز شب باطل است؛ زیرا مصداق تطوع نیست. شارع فرموده است در نمازی که مصداق تطوع نیست باید سورۀ به جا آورده شود. اگر نماز بی سورۀ در ظرف وجوب وفای به نذر مشروع نیست، نذر عملی را کرده است که در طول وفای به نذر مشروع نیست و این نذر منعقد نمی شود.

فرض این است که این شخص نذر نماز شب مشروع را کرده است. توضیح بیشتری با این مثال می دهیم: اگر کسی شما را اجیر کند که به زیارت امام رضا بروید و یک نماز زیارت نیز بخوانید و اجاره واقع شود، آیا او شما را بر نماز صحیح زیارت اجیر نمی کند؟ محقق نایینی می فرمود حال که زیارت با اجاره واجب شد، باید سورۀ نیز بخوانید. فرض این است که شما می گویید وفای به نذر واجب شده است، محقق خویی می فرماید نذر منعقد شده است و فرض این است که ایشان اشکال به استدلال کرد به اینکه روایت می گوید که در نماز نافله سورۀ واجب نیست، ایشان می گوید در روایات مسئله نافله مطرح نشده است بلکه مسئله تطوع مطرح شده است که سورۀ در آن واجب نیست، ایشان اشکال به آن استدلال کرد و خود فرمود که عقود تابع قصود هستند. در نظر ایشان، شما قصد نماز لابشرط کرده اید، ما عرض کردیم که نذر به نماز مشروع بالفعل می خورد، متعلق نذر نماز مشروع است که مصداق آن تفاوت کرده است. مثل اینکه من قبل از نذر عاجز از قرائت صحیحه باشم، وقتی نماز بر ما واجب می شود، متمکن از قرائت صحیحه می شوم، آیا نباید قرائت صحیحه بخوانم؟ مکلف می گوید من وقتی نماز مستحب می خوانم نمی توانم قرائت صحیحه داشته باشم، ولی وقتی واجب باشد متمکن هستم، در این صورت آیا قرائت صحیحه بر مکلف واجب نیست؟ قطعا واجب است.

#### مناقشه دوم: صحت موضوعیت نافله برای حکم

اشکال دوم به فرمایش محقق خویی این است که چرا در نظر ایشان نافله موضوع حکم نیست؟ در صحیحه علی بن یقطین آمده بود: «قَالَ أَكْرَهُ ذَلِكَ وَ لَا بَأْسَ بِهِ فِي النَّافِلَةِ».

امام در مورد تبعیض سورۀ فرموده است که جایز است، شما نیز می فرمایید نافله بر نماز مستحب منذور صادق است. گرچه مورد صحیحه علی بن یقطین تبعیض سورۀ است ولی در ارتکاز فقهی و متشرعی این است که اگر در نماز مستحب تبعیض جایز باشد ترک سورۀ نیز جایز است. عدم الفصل است و کسی تفصیل نداده است که در نماز مستحب بگوید بعض سورۀ حتما باید خوانده شود. لذا صحیحه علی بن یقطین دلیل بر این می شود که در نافله تبعیض سورۀ جایز است و بالالتزام ترک سورۀ نیز جایز می شود.

گفته نشود که در روایت ابن سنان مسئله تطوع آمده است، می گوییم نافله أعم از تطوع است و این دو هیچ تنافی با هم ندارند. روایت جوار اکتفا به فاتحۀ الکتاب در نماز تطوع، مفهوم مطلق ندارد، مفهوم فی الجملۀ دارد و مفهومش این است که در نماز فریضه جایز نیست و این روایت دیگر یعنی روایت ابن یقطین می گوید در نماز نافله ترک سورۀ جایز است.

#### مناقشه سوم: عدم تنافی بین تطوع با وجوب به سبب اختیاری

ممکن است بگوییم تطوع با وجوب به سبب اختیاری جمع می شود؛ اینکه محقق خویی اصرار دارند که بعد از وجوب وفای به نذر دیگر عنوان تطوع صادق نیست، ممکن است جواب داده شود که صادق است؛ زیرا تطوع به معنای داوطلبانه انجام دادن است. وقتی کسی ثبت نام به جبهه می کند که داوطلبانه برود، بعد از آن می آیند و می برند. ولی باز که در جبهه مصاحبه می کنید می گویید من داوطلبانه آمده ام. یتطوع به معنای این است که داوطلب برای این کار شود، ولو اینکه به اختیار خود نذر کند و یا اجیر شود که این کار را انجام دهد، منافاتی با داوطلب بودن ندارد. مثل کسی که داوطلبانه وارد طلبگی شود ولی دیگر نتواند خارج شود. به نظر ما عرفا به این کار تطوع می گویند. شخص نمازش را متطوعا می خواند ولو اینکه نذر به آن تعلق گیرد. بلی، امر والدین تطوع نیست. این جوابی است که به عنوان یمکن ان یقال می توان به محقق خویی مطرح کرد.

#### مناقشه چهارم: اشکال شهید صدر مبنی بر عنوان اصیل بودن فریضه

محقق سیستانی و شهید صدر هر دو مستشکل به محقق خویی هستند؛ توضیح اینکه: محقق خویی می فرماید: فریضه عنوان مشیر است ولی تطوع عنوان اصیل است و لذا می فرماید نماز بچه که می خواند فریضه است، تطوع نیز است، یا نماز که به جماعت گذار شود، فریضه است، تطوع نیز است. فریضه بودن آن عنوان مشیر است، یعنی فلز این عمل و نوع آن نماز فریضه است، پس فریضه بودن عنوان مشیر است، هم تطوع و هم فریضه می کنید؛ لذا در نماز معادۀ جماعت که روایت دارد که در جماعت شرکت کند، امام می فرمایند «یجعلها الفریضۀ» اگر می خواهد می تواند نیت کند که نماز فریضه باشد و اگر هم خواست می تواند قضاء برای گذشته یا تسبیح قرار دهد.

شهید صدر در جلد دوم بحوث اشکال کرده اند که ظاهر فریضه این است که عنوان مشیر نباشد و واجب بالفعل بودن را می رساند. نماز جماعتی که اعاده می شود، اکنون بالفعل فریضه نیست، بنابراین خلاف ظاهر است که فریضه عنوان مشیر باشد.

 ما از شهید صدر جواب دادیم که استعمالات فریضه در ذات این نماز های یومیه و مانند است؛ بنابراین عنوان مشیر بودن آن درست است. مثلا در روایت صحیحه زرارۀ چنین آمده است:

«وَ عَنْهُ‌ عَنْ‌ عَلِيِّ‌ بْنِ‌ إِبْرَاهِيمَ‌ عَنْ‌ أَبِيهِ‌ عَنِ‌ اِبْنِ‌ أَبِي عُمَيْرٍ عَنِ‌ اِبْنِ‌ أُذَيْنَةَ‌ عَنْ‌ زُرَارَةَ‌ عَنْ‌ أَبِي جَعْفَرٍ عَلَيْهِ‌ السَّلاَمُ‌ : أَنَّهُ‌ سُئِلَ‌ عَنْ‌ رَجُلٍ‌ صَلَّى بِغَيْرِ طَهُورٍ أَوْ نَسِيَ‌ صَلاَةً‌ لَمْ‌ يُصَلِّهَا أَوْ نَامَ‌ عَنْهَا فَقَالَ‌ «يَقْضِيهَا إِذَا ذَكَرَهَا فِي أَيِّ‌ سَاعَةٍ‌ ذَكَرَهَا مِنْ‌ لَيْلٍ‌ أَوْ نَهَارٍ فَإِذَا دَخَلَ‌ وَقْتُ‌ الصَّلاَةِ‌ وَ لَمْ‌ يُتِمَّ‌ مَا قَدْ فَاتَهُ‌ فَلْيَمْضِ‌ مَا لَمْ‌ يَتَخَوَّفْ‌ أَنْ‌ يَذْهَبَ‌ وَقْتُ‌ هَذِهِ‌ الصَّلاَةِ‌ الَّتِي قَدْ حَضَرَتْ‌ وَ هَذِهِ‌ أَحَقُّ‌ بِوَقْتِهَا فَلْيُصَلِّهَا فَإِذَا قَضَاهَا فَلْيُصَلِّ‌ مَا فَاتَهُ‌ فِيمَا قَدْ مَضَى وَ لاَ يَتَطَوَّعْ‌ بِرَكْعَةٍ‌ حَتَّى يَقْضِيَ‌ الْفَرِيضَةَ‌ كُلَّهَا»[[7]](#footnote-7)

با اینکه شخص نائم بوده و نائم تکلیف بالفعل ندارد، ولی آمده است که «لایتطوع حتی یقضی الفریضۀ».

عرفا هم چنین می گویند که بچه نماز فریضه می خواند؛ به همین دلیل است که اقتداء می کند و در روایت آمده است که «لاجماعۀ الا فی الفریضۀ» علاوه بر اینکه خود یجعلها الفریضۀ إن شاء نیز ظهور در همین مطلب دارد.

#### مناقشه پنجم: اشکال محقق سیستانی

محقق سیستانی اشکال دیگری کرده و فرموده اند: فریضه عنوان مشیر است، تطوع نیز عنوان مشیر است؛ اینطور نیست که فریضه فقط عنوان مشیر باشد. تطوع نیز عنوان مشیر به ذات این نماز های مستحب است.

به نظر ما انصافا این فرمایش محقق سیستانی عرفی نیست؛ چه اینکه در روایت صحیحه حلبی چنین آمده است:

« محَمَّدُ بْنُ‌ يَعْقُوبَ‌ عَنْ‌ عَلِيِّ‌ بْنِ‌ إِبْرَاهِيمَ‌ عَنْ‌ أَبِيهِ‌ عَنِ‌ اِبْنِ‌ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ‌ حَمَّادٍ عَنِ‌ اَلْحَلَبِيِّ‌ قَالَ‌: سَأَلْتُ‌ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ‌ عَلَيْهِ‌ السَّلاَمُ‌ عَنِ‌ الرَّجُلِ‌ عَلَيْهِ‌ مِنْ‌ شَهْرِ رَمَضَانَ‌ طَائِفَةٌ‌ أَ يَتَطَوَّعُ‌ فَقَالَ‌ «لاَ حَتَّى يَقْضِيَ‌ مَا عَلَيْهِ‌ مِنْ‌ شَهْرِ رَمَضَانَ‌»[[8]](#footnote-8)

راوی تعبیر به یتطوع کرده است و انصافا به کسی که وفای به نذر بر او واجب است، یتطوع نمی گویند، اگر عرض سابق ما را نپذیرید. و یا عرض ما را بپذیرید ولی نذر شخص قبل از قضاء باشد؛ مثلا قبل از ماه رمضان نذر کرده بود که ان شاء الله اگر از ماه رمضان جان سالم به در برد، ماه شوال ده روز روزه بگیرد. حال اگر در ماه رمضان چند روز مسافرت رفته بود، چندین روز قضا بر عهده اش آمده است، این شخص قبل از اینکه قضاء واجب شود نذر کرده بود، انصافا اینجا تطوع صدق نمی کند. «تظوع و علیه القضاء» صدق نمی کند. عجیب است که محقق سیستانی در امر والدین نیز می گوید که باز تطوع صدق می کند و عنوان مشیر است. در حالی که به نظر ما این عرفی نیست؛ وقتی پدر امر می کند که نماز شب بخوان تا روزی شما زیاد شود، و فرض این باشد که در صورت نخواندن آن پدر متأذی شود، محقق سیستانی آن را واجب بالعرض می داند، (البته ما اطاعت والدین را حتی در صورتی که شفقتا علی الولد امر می کنند و در صورت انجام ندادن آن متأذی می شوند باز واجب نمی دانیم ولی محقق سیستانی واجب می داند) آیا واقعا عرفا به این نماز تطوع می گویند؟ قطعا اینطور نیست. بلی، گاهی می گویند صلاۀ التطوع، ممکن است عنوان مشیر باشد، ولی عنوان «تطوع» عنوان مشیر نیست و ظهور در تطوع بالفعل دارد؛ از این رو انصافا فرمایش محقق خویی خوب است. تطوع بعد از وجوب غیر اختیاری مثل وجوب ناشی از امر والدین یا وجوب وفای به نذری است که غافلگیرانه است مثل اینکه قبل از ماه رمضان نذر کند و بعد قضاء پیدا کند، به نظر ما این ها رافع عنوان تطوع نیست ولی مهم این است که نافله هم صدق می کند و «لابأس بتبعیض السورۀ فی النافلۀ» و اگر نوبت به اصل عملی نیز برسد برائت از سورۀ جاری می شود و فرمایش محقق نایینی مبنی بر وجوب سورۀ در مستحباتی که واجب بالعرض شده اند تمام نیست.

1. [تهذیب الاحکام، شیخ طوسی، ج2، ص70.](http://lib.eshia.ir/10083/2/70/%D8%A7%D9%84%D9%86%D9%87%D8%A7%D8%B1) [↑](#footnote-ref-1)
2. [تهذیب الاحکام، شیخ طوسی، ج2، ص296.](http://lib.eshia.ir/10083/2/296/%D8%A7%D9%84%D8%B1%DA%A9%D8%B9%D8%AA%DB%8C%D9%86) [↑](#footnote-ref-2)
3. . العروة الوثقی (عدة من الفقهاء، جامعه مدرسين)، جلد: ۲، صفحه: ۵۰۱. ««لا يبعد أن تكون المنذورة و نحوها كالفرائض الأصليّة في وجوب السورة و الاستقبال و حرمة قراءة العزائم فيها و غير ذلك» [↑](#footnote-ref-3)
4. سوره اسراء، آيه 79. [↑](#footnote-ref-4)
5. [موسوعة الامام الخوئی، السید أبوالقاسم الخوئی، ج14، ص323.](http://lib.eshia.ir/71334/14/323/%D8%A7%D9%84%D8%AA%D8%B7%D9%88%D8%B9) [↑](#footnote-ref-5)
6. [موسوعة الامام الخوئی، السید أبوالقاسم الخوئی، ج21، ص515.](http://lib.eshia.ir/71334/21/515/%D8%A7%D9%84%D8%B5%D9%88%D9%85) [↑](#footnote-ref-6)
7. [تهذیب الاحکام، شیخ طوسی، ج2، ص172.](http://lib.eshia.ir/10083/2/172/%D8%AD%D8%B6%D8%B1%D8%AA) [↑](#footnote-ref-7)
8. [تهذیب الاحکام، شیخ طوسی، ج4، ص276.](http://lib.eshia.ir/10083/4/276/%D8%B1%D9%85%D8%B6%D8%A7%D9%86) [↑](#footnote-ref-8)